

## بررسی نقش مالیات در ارتقای رقابت‌پذیری و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه با رویکرد بازرگانی

بین‌الملل

لیلا ضیغمی<sup>۱</sup>\*

۱- کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازرگانی بین‌الملل، دانشگاه غیرانتفاعی تابران، مشهد، ایران.

چکیده

مالیات به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای رقابت‌پذیری و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند، به ویژه در کشورهای در حال توسعه که وابستگی به منابع ناپایدار نظیر نفت، آسیب‌پذیری اقتصادی را افزایش داده است. این پژوهش با رویکرد مدیریت بازرگانی بین‌الملل، به بررسی ابعاد مختلف نظام مالیاتی و ارتباط آن با رشد پایدار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی (FDI)، توزیع عادلانه درآمد، و کاهش شکاف طبقاتی پرداخته است. هدف اصلی مطالعه، تحلیل کارکرد مالیات به مثابه منبع پایدار درآمد و ابزاری برای ارتقای توان رقابت اقتصادی کشورها در فضای تجارت جهانی، و شناسایی موانع نهادی، قانونی و اجرایی در نظام مالیاتی ایران نسبت به استانداردهای بین‌المللی است. روش تحقیق با ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای تحقیقات پیشین صورت گرفته است. منابع شامل داده‌های بین‌المللی مربوط به کشورهای در حال توسعه، مقالات علمی، و تجربه سیاست‌های مالیاتی ایران می‌باشد. رویکرد، مقایسه‌ای-تحلیلی است که هم ابعاد نظری و هم شواهد تجربی را پوشش می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام مالیاتی کارا، علاوه بر تأمین بودجه عمومی، با اصلاح ساختار اخذ مالیات، حذف معافیت‌های غیرضروری، گسترش پایه مالیاتی، و اجرای اصول شفافیت و عدالت، می‌تواند توان رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی را تقویت کند. مطالعه تطبیقی بیانگر آن است که کشورهای موفق، با استفاده از مشوق‌های مالیاتی هدفمند و مالیات بر ارزش افزوده، ضمن جذب سرمایه خارجی، زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی خود را توسعه داده‌اند. در ایران، مشکلاتی مانند پیچیدگی قوانین، ضعف فرآیندهای اجرایی، کمبود آموزش مؤدیان، و اتکای تاریخی به نفت مانع تحقق کامل کارکرد توسعه‌ای مالیات شده است. نتیجه‌گیری برون‌رفت از ناکارآمدی نظام مالیاتی مستلزم اصلاح قوانین، دیجیتالی‌سازی فرایندها، فرهنگ‌سازی، و هم‌راستایی سیاست‌های مالیاتی با استانداردهای بین‌المللی است. در چنین چارچوبی، مالیات نه تنها منبع درآمدی پایدار، بلکه ابزاری راهبردی برای توسعه اجتماعی-اقتصادی و ارتقای جایگاه کشور در رقابت‌های جهانی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: مالیات، رقابت‌پذیری بین‌الملل، توسعه اقتصادی، کشورهای در حال توسعه، نظام مالیاتی ایران

## تعاریف رشد و توسعه اقتصادی

برای اینکه برداشتی نسبتاً مناسب از توسعه اقتصادی داشته باشیم لازم است ابتدا تعریفی از رشد اقتصادی را ارائه دهیم. رشد اقتصادی به منزله افزایش کمی در میزان تولیدات کالاها و خدمات در طی زمان است و معیار اندازه گیری آن تغییرات در «تولید ناخالص ملی» می باشد. تولید ناخالص ملی عبارتست از حاصل جمع ارزش نهایی کلیه کالاها و خدمات که طی یکسال مالی از عملکرد اقتصاد یک جامعه تحقق می شود. توسعه اقتصادی فرآیندی «پویاست» که رشد اقتصادی لازمه آن است. اگر چه رشد اقتصادی شرط لازم برای توسعه اقتصادی است اما شرط کافی آن است که تغییرات و تحولات پویا و لازم بین کلیه عناصر و عوامل تشکیل دهنده یک سیستم اقتصادی که موجبات رشتولید ناخالص ملی عبارتست از حاصل جمع ارزش نهایی کلیه کالاها و خدمات که طی یکسال مالی از عملکرد اقتصاد یک جامعه تحقق می شود. توسعه اقتصادی فرآیندی «پویاست» که رشد اقتصادی لازمه آن است. اگر چه رشد اقتصادی شرط لازم برای توسعه اقتصادی است اما شرط کافی آن است که تغییرات و تحولات پویا و لازم بین کلیه عناصر و عوامل تشکیل دهنده یک سیستم اقتصادی که موجبات رشد اقتصادی را فراهم آورده است رخ می دهد و به طور کلی می توان توسعه را چنین گفت که توسعه جریانی یک بعدی یعنی رشد تولید نیست بلکه توسعه جریانی چند بعدی است که در آن مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ و متناسب با نیازهای متنوع اساسی انسان ارتقاء می یابد که در نتیجه این ارتقاء ظرفیت های جدیدی در جامعه ایجاد می شود [۲].

## ۱-۱. عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی

عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی یک کشور را تحت سه گروه عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میتوان تقسیم بندی نمود که عوامل مذکور در حقیقت نظام اقتصادی حاکم بر یک جامعه و کشور را نیز به تصویر می کشاند.

الف) عوامل اقتصادی: عوامل اقتصادی را میتوان در دسترس بیشتر به منابع طبیعی، انباشت سرمایه، تکنولوژی و غیره دانست. مسلماً کشوری که دسترسی بیشتر به عوامل اقتصادی دارد می تواند فرآیند توسعه اقتصادی پویاتری را داشته باشد. زیرا رشد اقتصادی و پیشرفت اقتصادی بیشتری خواهد داشت و بهره برداری بیشتر از این منابع می تواند ظرفیت تولیدی را به سرعت افزایش می دهد. منظور از انباشت سرمایه به معنای اضافه کردن به موجودی ماشین آلات، ابزار آلات و کالاهای سرمایه ای دیگر در طول زمان می باشد و از طریق انباشت سرمایه می توان سرمایه گذاری های بیشتری را تحقق بخشید.

ب) عوامل سیاسی: مهمترین عامل سیاسی که در تسریع فرآیند اقتصادی- اجتماعی یک جامعه میتواند بسیار مؤثر باشد ثبات سیاسی می باشد. عدم ثبات سیاسی موجب می شود که برنامه های اجتماعی و اقتصادی به بار ننشینند و گسستگی در برنامه توسعه بوجود آید.

ج) عوامل اجتماعی و فرهنگی: در فرآیند اقتصادی جامعه سنتی کشاورزی به یک جامعه مدرن صنعتی، شیوه های صنعتی تولید نیز تبدیل به شیوه های مدرن تولیدی می گردد. تحولات تکنولوژیکی بیشتر به وجود می آید و فرهنگ سنتی تولید تبدیل به فرهنگ صنعتی می شود [۹].

## ۲-۱. مطالعه مربوط به رابطه بین مالیات و رشد اقتصادی

الف) «مارتین» و «فردمنش» در سال ۱۹۹۰ با استفاده از اطلاعات بر برش عرضی برای ۷۶ کشور نتیجه گرفتند که بین نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص ملی از یک طرف و نرخ رشد اقتصادی از طرف دیگر یک رابطه منفی وجود دارد.

ب) «رابین برگنس» و «نیکلاس ستیسرد» در مقاله «مالیات و توسعه» اطلاعات مادی ۸۲ کشور در حال توسعه را مورد بررسی قرار داده و نشان می دهد که ارتباط ضعیف ولی معناداری (در سطح ۵٪) بین نسبت مالیاتی و درآمد برای کشورها وجود دارد و شکاف بین نظام قانونی مالیاتی و نظام واقعی مالیاتی کاهش می یابد و نرخ های بالای مالیاتی تقلیل یافته.

دراقتصاد کلان هر جامعه ای عمدتاً چهار هدف اصلی، رشد اقتصادی مداوم، توزیع عادلانه تر درآمدها، ثبات قیمت ها و تحقق اشتغال کامل منابع مدنظر قرار می گیرد. رشد اقتصادی مداوم و مستمر بایستی بتواند نیازهای جامعه و تغییرات الگوی مصرفی را پاسخگو باشد. همان طور که می دانیم منظور از مالیات دریافت قسمتی از دارایی افراد توانمند از نظر اقتصادی و توزیع این دارایی به افراد ناتوان از نظر اقتصادی که انجام این عمل در بحث توزیع عادلانه تر درآمد مطرح می شود پس توزیع عادلانه تر درآمدها به این معنی است که شکاف درآمدی بین گروه های درآمدی جامعه کمتر باشد. بهبود در توزیع درآمدها و به عبارتی خارج کردن قسمتی از ثروت افراد ثروتمند و توزیع عادلانه آن بین افراد نیازمند باعث کاهش فقر و نابرابری شده و در نتیجه باعث ایجاد توسعه اقتصادی در جامعه می شود. ثبات قیمت ها نیز حاکی از یک روند متعادل در نوسانات قیمت ها و در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی می باشد [۶].

## ۲. توزیع فردی و توزیع کارکردی

مسئله توزیع درآمد عموماً به عنوان مسئله «توزیع درآمد فردی» (یعنی این که چگونه درآمد میان مردم توزیع می شود.) شناخته می شود. معمولاً برابری درآمد میان خانوارها بر حسب توزیع درآمد متناسب با اندازه (یا سطح) درآمد هر خانوار (یا عضو خانوار) اندازه گیری می شود. البته در علم اقتصاد اغلب توزیع درآمد بر حسب سهم های درآمدی عوامل تولید تحلیل شده اند. از آن جا که سهم های عامل درآمدهای نسبی عوامل تولید مانند نیروی کار و سرمایه را برحسب سهم در ارزش افزوده اندازه گیری می کنند. آن را «توزیع کارکردی درآمد» می نامند. به طور کلی، توزیع درآمد برحسب اندازه هم بوسیله توزیع درآمد بین نیروی کار و دارایی سرمایه (توزیع کارکردی) و هم بوسیله توزیع دارایی حامیان طبقات اندازه درآمد تعیین می شود [۱۲].

## ۲-۱. نقش مالیات بر توسعه

می توان گفت دولت ها با اخذ مالیات (نوعی درآمد برای دولت ماست) و از طریق توزیع عادلانه این درآمد بین افراد کشور را به سوی توسعه اقتصادی سوق می دهد. اما بر سر راه توسعه اقتصادی از نظر قوانین و مقررات مالیاتی مشکلات وجود دارد که به شرح زیر می باشد:

- ۱- نگاه نادرست به مالیات شرکتی و مفهوم اشخاص حقیقی: با پذیرش این اصل که اشخاص حقیقی باید پرداخت کنندگان واقعی مالیات باشند، اولین نتیجه بدیهی این است که در مواردی که درآمد حاصل از شرکت ها را می توان بطور دقیق به اشخاص حقیقی مالک آن ها نسبت داد باید سیستم مالیاتی به گونه ای طراحی شود که درآمد به طور دقیق به اشخاص حقیقی داده شود.
- ۲- نبود مالیات بر افزایش ارزش سرمایه: هنگامی که مالیات نقش مهمی بر توسعه اقتصادی دارد برای حفظ عدالت مالیاتی باید از هرگونه درآمد مالیات اخذ شود که یکی از مهمترین مصادیق درآمد افزایش ارزش دارایی های مایملک است.
- ۳- عدم تورم زدایی: هنگامی که نرخ های مالیاتی با درآمد، افزایش پیدا می کند تورم زدایی از درآمدها امری مهم است و چرا که با وجود پدیده تورم به تدریج گروه های درآمدی با نرخ های بالاتری مواجه می شوند.
- ۴- تبعیض مالیاتی نسبت به شرکت های دولتی، خصوصی و مؤسسه های خیریه: این امر باعث می شود فعالیت های خصوصی در رقابت با فعالیت های مشابه دولتی در شرایط سخت تری قرار می گیرند و به این صورت کارایی اقتصادی نیز مخدوش می شود. هم

چنین دیگر نمادهایی که تحت عنوان خیریه فعالیت می کنند در سال های اخیر اقدام به تشکیل شرکت های مختلف کرده اند و از امتیازات و معافیت های مالی نیز برخوردار شده اند.

۵- حمایت نکردن مالی از کارآفرینان

۶- توجه نکردن به ریسک در اخذ مالیات

۷- توجه نکردن به حفظ و شناسایی پایه مالیاتی

۸- انطباق نداشتن ترکیب شورای عالی مالیاتی و اختیارات آن با عدالت و انصاف

۹- نظام داوری میان مؤدی و مالیات گیرنده

## ۲-۲. اصول کلی تأمین بهینه مالیات

برای تضمین حداکثر درآمد مالیاتی با حداقل هزینه، برخی اصول کلی اقتصادی و اداری باید رعایت گردد:

الف) اصول کلی اقتصادی:

- ۱- برای جلوگیری از فرار مالیاتی باید واردات و تولیدات توسط تعداد معدودی شرکت های خصوصی یا افراد انجام گیرد.
- ۲- کشف قیمتی تقاضا در هنگام تحصیل مالیات باید در نظر گرفته شود و کشف قیمتی کالاهای منتخب به حدی کم باشد که افزایش مالیات روی کل مصرف، تأثیر چندان نگذارد. یا کشف درآمدی تقاضا برای کالای مورد نظر زیاد باشد که مالیات تحصیل شده دولت نیز افزایش می یابد.
- ۳- برای تأمین عدالت مالیاتی و حمایت از اقشار کم درآمد لازم است که دولت کالاهای ضروری را از مالیات معاف سازد ولی بر کالاهای لوکس و تجملی مالیات تصاعدی ببندد.

ب) اصول کلی اداری: توانایی کشورهای جهان سوم در جمع آوری مالیات به منظور تأمین منابع مالی برنامه های دولت در روند توسعه، برقراری توازن میان درآمدها و هزینه های عمومی، کاهش نابرابری های اجتماعی و بهبود بخشیدن به توزیع درآمد به دو عامل بستگی دارد:

۱- سیستم اخذ مالیات

۲- صلاحیت و کارایی مأموران اخذ مالیات.

متأسفانه در اکثر کشورهای جهان سوم، مدیریت مالیاتی، علاوه بر مشکلاتی نظیر ضعف و فساد اداری با محدودیت های سیاسی مواجه است. به این صورت که سیاستمداران یا افرادی که در تصمیم گیری های حکومتی دارای نفوذند، صاحبان سرمایه ها و شرکت

های بزرگ می باشند. آن ها از راه های مختلف نظیر فشار آوردن روی قانون گذاران می توانند معافیت های مالیاتی برای خود تحمیل کنند.

ج) گسترش فرهنگ پرداخت مالیات: با ترویج روح جمعی و بهره گیری از شیوه های اخلاقی، فرهنگی را در جامعه گسترش دهد که افراد جامعه به پرداخت مالیات به عنوان وظیفه دینی و مسؤولیت اجتماعی نگاه کنند و فرار از آن را معصیت و گناه بشمارند و به آن بصورت یک امر مذموم و ناپسند بنگرند و سرپیچی از پرداخت مالیات را مترادف با خیانت ملی و تجاوز به حقوق دیگران بدانند [۳].

### ۳. مطالعات مربوط به ایران در مورد مالیات

در ایران مانند بسیاری از کشورهای صادر کننده نفت، دسترسی به منابع درآمدی سرشار و سهل الوصول حاصل از نفت، در طی سال ها مانع از توجه جدی به نقش مالیات ها در اقتصاد و سیاست های مالی گردیده است. طی سال های اخیر بروز نوسان هایی در بازار نفت تنگناهایی برای بودجه کشور ایجاد نموده و سبب گردیده تا مالیات ها حداقل با هدف تأمین منبع مطمئن درآمدی که دارای ثبات بیشتری است مورد توجه جدی قرار گیرد. بدین جهت موضوع مالیات، عنوان تحقیقی بسیاری از کارشناسان و اساتید و... را به خود اختصاص داده است که سه مورد از این تحقیقات انجام شده در زمینه مالیات به شرح زیر است:

۱. برآورد توابع مالیات های مستقیم و غیرمستقیم است که توسط دکتر احمد شهشهانی انجام گرفته. معادلات این تحقیق از طریق معادلات خطی ساده آزمون شده اند.

۲. تحقیقات انجام شده دیگر مقاله «تحلیلی بر ترکیب مالیات و برآورد ظرفیت مالیاتی ایران» است که توسط دکتر کمیجانی و فریبا فهیم یحیایی صورت گرفته است. سطح درآمد سرانه به عنوان عامل مؤثر بر توان افراد جامعه در پرداخت مالیات در نظر گرفته شده است. سطح بالاتر درآمد سرانه عمدتاً به یک سطح بالاتری از پس انداز، نرخ پایین تری از بیسوادی و سطح معقولی از توسعه می انجامد تا در مجموع وضع جمع آوری مالیات را تسهیل می کند. اهمیت بخش کشاورزی و میزان تجاری شدن آن در مقابل درجه معشیتی بودن آن به طرز مثبت درآمدهای مالیاتی را تحت تأثیر قرار می دهد. اهمیت بخش تجارت خارجی نیز توانایی جامعه را در وصول مالیات افزایش می دهد.

۳. از دیگر تحقیقات انجام شده مقاله «نقش مالیات و یارانه در توزیع درآمد و ثروت در ایران» است که توسط علی قربانی در سمینار فقرزدایی ارائه شد. ایشان با ارائه رابطه نهایی  $T=AY$  در دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ نتیجه گیری می کند که واکنش مالیات های مستقیم در ازای تغییرات تولید ناخالص ملی بیشتر است. وی خاطر نشان می سازد که با تقویت پایه های اخذ مالیات مستقیم و اصلاح ساختار اقتصادی و نیز با تقویت سهم بخش های درآمدزای مولد از کل تولید ناخالص ملی امکان بیشتری برای اخذ مالیات های مناسب بوجود آمده است و ضمن اثرات تعدیلی در توزیع درآمدها، اعتبارات بیشتری را جهت رفع فقر فراهم می آورد.

### ۴. ناکارآمدی نظام مالیاتی ایران (علل و زمینه ها)

اگرچه مالیات ستانی در ایران نوپا نیست و همچنین از وصول مالیات به طریق نظام شبه سیستمی در حدود یک قرن در ایران می گذرد، اما همچنان نمی توان ادعا کرد که نظام مالیات گیری در ایران حتی شبیه کشورهای تقریباً در حال توسعه است. در هر صورت

پایبندی به اصول و روش های نوین بشری در اجرای سیاست های توسعه، باید سرلوحه کار مسوولان مربوطه قرار گیرد تا به هدف های مورد نظر در وصول حداکثر مالیات دست پیدا کنند. به نظر می رسد با توجه به تغییر و تحولات در نظام مالیاتی ایران از حدود یک سال پیش به این طرف، بتوان امیدوارانه چشم به سوی نظام مطلوب مالیاتی داشت. نظامی که در سال های گذشته تبدیل به ویرانه ای شده است که اصلاح ساختاری و بنیادی آن هزینه های زیادی می طلبد. این مقاله به علل و زمینه های ناکارآمدی سیستم مالیاتی ایران از چهار بعد قوانین و مقررات، فرآیندهای مالیاتی، مؤدیان و منابع انسانی پرداخته در برخی موارد راه کارهایی جهت برون رفت از این مشکلات بیان می دارد.

#### ۴-۱. تفسیر قوانین و مقررات مالیاتی

یکی از مهم ترین عوامل موثر در تضعیف و عدم اثربخشی سیاست های مالیاتی، پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی است. این مساله به تنهایی به کارآیی اجرایی سیاست های مالیاتی صدمه وارد می کند. به منظور تضمین اثربخشی دستگاه مالیاتی در قدم اول باید قوانین و مقررات مالیاتی و حسابداری به طور جامع تعریف و تضمین شود. برای رویه ها و قوانین جدید باید مجوزهای جدید اخذ شود تا در مجمع القوانین کشوری و آیین نامه های مالیاتی ثبت شود. تغییرات قوانین مالیاتی به شدت به استانداردهای نوین حسابداری وابسته است. به عبارت دیگر باید مقررات مربوط به مؤدیان در نگهداری دفاتر و فاکتورها و چگونگی ارایه آن ها به سازمان مالیاتی، به صورت شفاف تبیین شود. در نهایت برای پیاده کردن اصلاحات باید حمایت حاکمیت و آحاد مردم جلب شود. به طور کلی قوانین خوب و کارآ، چندین خصوصیت و ویژگی به شرح ذیل را دارا هستند:

الف - کارآیی: در مورد کارآیی قانون، باید به این نکته توجه کرد که آیا قانون مربوطه از نظر اجرای سیاست های مالیاتی، کارآیی و اثربخشی را دارد به عبارت دیگر قانونی کارآ و اثربخش است که نتیجه مورد نظر از تصویب آن حاصل شود. به عنوان مثال یکی از اهداف قانون برای الزام مؤدیان مالیات بر شرکت ها به منظور ارایه اظهارنامه و ترازنامه و سود و زیان، می تواند شناخت کامل از نحوه گردش مالی یک شرکت در اقتصاد و استفاده از اطلاعات مالی این شرکت برای ردیابی مفاسد مالی بنگاه های دیگر باشد. چنانچه این هدف قانونگذار، با ارایه درست ترازنامه و سود و زیان شرکت ها حاصل شود می گوییم قانون، کارآ (اثربخش) بوده است.

ب - سازمان دهی: سازمان دهی منطقی باعث درک و فهم بهتر مؤدیان و کاربران از قانون مالیاتی می شود. سازمان دهی قانون به این مفهوم است که مقررات مربوط به یک بخش خاص، همگی در کنار آن باشند به عبارت دیگر مطالب مربوط به هم تا جایی که امکان دارد در کنار هم باشند. به عنوان مثال مؤدیان مالیاتی اشخاص حقوقی (شرکت ها) در صورتی که تمام مطالب مربوط به اجراییات و مقررات فصل امور مالیاتی شرکت ها در یک فصل جداگانه لحاظ شده است خیلی کم تر دچار سردرگمی و ابهام خواهند شد [۱۲].

ج - قابلیت درک: در صورتی که بخواهیم قابلیت درک یک متن افزایش یابد، اولاً باید عبارت یک متن کوتاه باشد و ثانیاً از کلمات مرموز و غیرشفاف جلوگیری به عمل آید به عبارت دیگر، متنی گویا و ساده ارایه کرد. حامیان استفاده از زبان ساده در قانون نویسی خواهان پرهیز از زبان حقوقی برای نیل به قانونی آسان و همه فهم هستند به عبارت دیگر تا جایی که امکان دارد باید از کلمات حقوقی و یا کلماتی که معروف به لغت نامه ای هستند پرهیز کرد به عنوان مثال می توان به جای عبارت «کمیسیون تقویم املاک»، عبارت «کمیسیون (هیات) ارزیابی املاک» را به کار برد.

د - انسجام: مفهوم انسجام به دو گونه قابل فهم است: اول این که می تواند به معنی ارتباط معنی دار عناصر یک قانون با یکدیگر باشد و دوم این که با سایر مقررات و قوانین انسجام داشته باشد. به عبارت دیگر باید اطمینان یافت که قانون مالیاتی با بقیه نظام

حقوقی تلفیق شود. به عنوان مثال قانون مالیات های مستقیم نباید به هیچ عنوان با اصول و استانداردهای حسابداری و حسابرسی مغایرت و ناهماهنگی داشته باشد و یا در خود قانون، فصل مربوط به اشخاص حقیقی با فصل مربوط به اشخاص حقوقی (شرکت ها) ناهماهنگ باشد به طوری که بعضی از مشاغل در قالب اشخاص حقوقی و بعضی دیگر در قالب اشخاص حقیقی تعریف شوند [۴].

#### ۴-۲. فرآیندهای مالیاتی

فرآیند مالیات گیری را می توان از لحاظ ترتیب زمانی به تدوین و تصویب قانون، شناسایی مؤدیان، تشخیص مالیات، کنترل و بازبینی تشخیص ها، طرح اعتراض به مالیات تشخیصی و نهایتاً وصول مالیاتی تجزیه کرد. ضعف سیاست های مالیاتی (مدیریت مالیاتی) در هر یک از این مراحل می تواند جلوی اهداف قانون گذار را به هر نحو بگیرد. تحلیل فرآیندهای نظام مالیاتی از اظهار تا پرداخت در یک سیستم مالیاتی، زمانی مفید و ممکن است که اطلاعات بهنگام باشد و به درستی در مجاری صحیح قرار گیرد. اگر سازمان مالیاتی با اطلاعات ناقص مواجه شود، باید در سیستم اطلاعاتی و ممیزی خود تجدیدنظر کرده، آن را دگرگون سازد. از طرفی مطابق قوانین حسابداری مالیاتی، دستگاه مالیاتی باید درآمدهای مالیاتی (چه به صورت پول نقد و چه به صورت حساب های بانکی مؤدی) را بدون واسطه از حساب مؤدی به حساب خزانه واریز کند. غالباً موانع قانونی و یا ضعف قانون باعث می شود که اطلاعات معتبر به دستگاه مالیاتی داده نشود. این امر فرهنگ تمکین مالیاتی را تضعیف می کند، اگرچه هیچ گاه قابل روءیت نیست. خلاصه تنگناها و مشکلات فرآیندهای مالیاتی در سیستم مالیاتی ایران به شرح ذیل قابل دسته بندی است:

غلب فرآیندها، ناکارآمد و پراکنده هستند. همچنین حداقل معیارهای سنجش برای آن ها وجود ندارد. در حال حاضر مالیات بر درآمد مشاغل و شرکت ها تقریباً از یک فرآیند مشترک، پیروی می کنند. تمام مالیات های دیگر دارای فرآیندهای مستقل و فرم های جداگانه اظهارنامه مالیاتی با دفعات تسلیم اظهارنامه متفاوت هستند. این امر منجر به کاربرد بیهوده منابع در فعالیت های تکراری می شود. تقریباً تمامی فرآیندها به روش دستی انجام می گیرد و توانمندی های ورود داده ها و ذخیره سازی محدود است. فقدان تجزیه و تحلیل کامپیوتری، منجر به روند تشخیص و رسیدگی طولانی و دستی مالیات می شود که مستعد خطا هستند. در حال حاضر، اغلب فرآیندها از دیدگاه درونی سازمان مالیاتی طراحی می شود و کم تر توجهی به راحتی مؤدیان می شود. این امر، موجب دلسردی مؤدیان و انگیزه اندک آنان برای تمکین از مقررات مالیاتی می شود. فقدان آموزش مؤدیان مالیاتی درباره تخصیص صحیح منابع مالیاتی دولت، موجب نارضایتی بیش تر و عدم تمایل آنان به پرداخت مالیات می شود. قواعد شغلی و مقررات مالیاتی پیچیده، مانع از اصلاح فرآیندها می شوند [۱۳].

به طور کلی ماموران مالیاتی، درک اندکی از نوع فعالیت و فلسفه وجودی فرآیندهایی که به موجب مقررات انجام می شود و یا حاصل عادت های درازمدت دیگران است، دارند. به طور کلی در مورد نحوه تفکیک فرآیندها برای انواع پایه های مالیاتی، در قانون مالیات های مستقیم، سخنی به میان نیامده است. اغلب مقررات مالیاتی، دارای ابهاماتی هستند که توسط ماموران مالیاتی تفسیر می شوند و درک جامع مدیریتی و جمعی از آن ها وجود ندارد. وجود اطلاعات محدود، ضعف اطلاعاتی را در رابطه با مؤدیان ایجاد می کند. توزیع و انتقال اطلاعات محدود میان سازمان مالیاتی و سایر ذی نفع ها (وزارتخانه ها، اداره ثبت و مؤدیان مالیاتی) منجر به تشخیص غیردقیق مالیات و از دست رفتن درآمدهای مالیاتی می شود. اطلاعات ضعیف، توانایی سازمان مالیاتی ایران را در انجام حسابرسی موردی محدود می کند. به این دلیل که در حال حاضر تمامی شرکت ها و مشاغل (تمامی پرونده های مالیاتی) مورد رسیدگی قرار می گیرند، بار کاری ممیزان مالیاتی غیرقابل تحمل است. در بعضی مواقع ممیزان و مؤدیان مالیاتی روابطی را برقرار می کنند که بر رعایت انصاف و عدالت ممیزان تاثیر می گذارد. عدم وجود ساز و کارهای کنترلی در سیستم اجرایی مالیاتی، به ممیز مالیاتی قابلیت

انعطاف پذیری بسیار زیادی را در هدایت تشخیص می دهد. این امر، بی دقتی و تقلب را افزایش می دهد. به دلیل عدم وجود روش های اجرایی مالیاتی قوی، تعداد زیادی از دادخواهی های مالیاتی علیه سازمان مالیاتی کشور طرح می شود [۵].

### ۳-۴. مشکلات و تنگناهای منابع انسانی در سازمان امور مالیاتی

خلاصه تنگناها و مشکلات منابع انسانی در سازمان امور مالیاتی ایران به اختصار عبارتند از:

ساختار سازمانی موجود، از نوع سلسله مراتبی است و کارکنان رده های پایین از قدرت اندک برای تصمیم گیری برخوردارند و یا هیچ قدرتی در این زمینه ندارند. فعالیت های شغلی عموماً به تاخیر می افتد زیرا کارکنان نمی توانند بدون تایید مدیریت، تصمیمی را اتخاذ کنند. این امر بر روی ارتباطات، ارتقا و آموزش نیز تاثیر دارد. ارتباطات کارکنان تا حدود زیادی غیررسمی و فاقد ساختار اصولی است. (اغلب ارتباطات، عاطفی و دوستانه است) تکیه بر روش های غیررسمی (شامل شایعات، سخن پراکنی، تعصبات غیرمنطقی و....) ممکن است منجر به ارتباطات پیمای شود که غیرصحیح یا متناقض است. بعضی از مدیران به منظور افزایش و یا حفظ قدرت خویش، معمولاً اطلاعات را حفظ می کنند. این امر ممکن است مانع رسیدن پیام ها به تمامی کارکنان شود. معمولاً عملکرد کارکنان از طریق آموزش، تحت کنترل مدیریت قرار نمی گیرد و همچنین عملکرد خوب کارکنان همیشه مشمول ارتقا و پرداخت های بهتر نمی شود.

اگرچه آموزش در داخل سازمان امور مالیاتی کشور ارزشمند تلقی می شود ولی برنامه های آموزشی در برخی موارد بیش از حد وسیع است و اغلب، نیازهای کارکنان و یا شکاف های مهارتی و علمی آن ها را پوشش نمی دهد. در برخی موارد، به نظر می رسد ارتقا و جبران مالی، کم تر با عملکرد کارکنان مربوط است و بیش تر با ارتباط آن ها با افراد قدرتمند سازمان بستگی دارد. در بیش تر مواقع، مراحل استخدام به کندی پیش می رود که باعث افزایش فشار کار می شود. روش استخدام مؤدیان و ممیزان مالیاتی بیش تر بر معیارهای اخلاقی و درجه تحصیلات دانشگاهی تکیه دارد تا بر این مساله که هر پست خالی باید با شرکت کنندگان واجد شرایط اشغال شود. برای مثال پست ممیزی به جای آنکه حسابدار باشد توسط فرد دارای مدرک کشاورزی اشغال شده است. اکثر ادارات سازمان مالیاتی به اندازه کافی کارمند ندارند تا حجم کار را کنترل کنند. به طور نمونه یک ممیز حدود ۶۰۰ پرونده مالیاتی را طی سال رسیدگی می کند. در بعضی از ادارات مالیاتی، سیستم تشکیل پرونده در راهروها قرار دارد که فضای کاری را در تنگنا قرار می دهد. تعداد کامپیوترهای کافی برای ممیزان وجود ندارد و در بعضی موارد، حوزه های مالیاتی هیچ کامپیوتری ندارند [۱۴].

### ۴-۴. مؤدیان مالیاتی

مؤدیان مالیاتی، عموماً به دو دسته تقسیم می شوند: مؤدیان قانونمدار و مؤدیان خلافکار. مؤدیان قانونمدار آن هایی هستند که مطابق قانون و به نسبت سهم خود، مالیات را پرداخت می کنند و عموماً مشکلی را برای سازمان امور مالیاتی ایجاد نمی کنند این نوع مؤدیان غالباً تمکین می کنند و از ایجاد هزینه و مشکل برای سازمان پرهیز می کنند به همین علت سازمان مالیاتی نیز از این نوع مؤدیان اظهار رضایت کرده و غالباً سعی می شود این نوع مؤدیان باقی بمانند و یا بر تعداد آن ها افزوده شود. اما در مورد دیگر مؤدیان خلافکار بحث و سخن بسیار است و سازمان امور مالیاتی سعی می کند با انواع سیاست ها، آن ها را وادار به پرداخت مالیات کند. مؤدیانی خلافکار محسوب می شوند که مالیات های معوق را به دستگاه مالیاتی تحمیل می کنند که همین موضوع یکی از گلوگاه

های نظام مالیاتی ایران است. به نظر می رسد در این گونه مواقع، سنجش میزان مالیات های معوق و برنامه ریزی در جهت وصول آن ها، بهترین گزینه موجود باشد.

مالیات های معوق به مالیات هایی اطلاق می شود که از حیث تشخیص مالیات، به مرحله فعلیت رسیده اند اما به هر دلیل به حیطة وصول درنیامده و امکان وصول آن ها وجود دارد. بدیهی است اگر ثابت شود که حجم ذخایر مالیاتی معوق قابل وصول به حدی معنادار است که قادر به تامین اهداف درآمد مورد نظر خواهد بود، در آن صورت برنامه ریزی عملیاتی جهت وصول این مالیات ها منطقی و موجه است. اگر دستگاه مالیاتی ناگزیر از اعمال فشار مالیاتی بیش تری باشد چه بهتر که این فشار بر مؤدیان خلافکاری وارد شود که بعضا سال ها از زیر مسوولیت پرداخت دیون مالیاتی خود شانه خالی کرده اند و اعمال خلاف قانون آن ها بعضا مصداق تقلب مالیاتی بوده است.

بدیهی است که مطالبه دیون معوقه دولت از عده ای متقلب، تنش های احتمالی ناشی از فشار مالیاتی را نیز به حداقل خواهد رساند و این با اهداف مورد نظر در خروجی سازمان از جمله رضایت مندی مؤدیان خوش حساب و ارتقای سطح عدالت مالیاتی نیز سازگار خواهد بود. یکی از راه های کاهش خطای مؤدیان در اظهار و پرداخت مالیات به کارگیری مناسب نظام جریمه و پاداش است. نظام جریمه باید به نحوی اجرا شود که به طور متوسط رفتار مؤدی مالیاتی را عوض کند. با این حال با مؤدیانی که بی نظم هستند و قانون را رعایت نمی کنند، باید به شدت برخورد کرد. همچنین باید توجه کرد که جرایم افراطی وضع نشود و مؤدیان ناامید نشوند. تجربه نشان داده است که تغییر ایجاد کردن در رفتار و نگرش مؤدیان مالیاتی یک هنر بزرگ است و عموماً اقدامات سریع و فشارهای سنگین، تنها مسکنی است که در کوتاه مدت موثر است و اثرات جاودان ندارد. در بحث مربوط به تجزیه و تحلیل رفتار مؤدیان مالیاتی، معمولاً ۵ عامل در وهله نخست باید واکاوی شود:

الف - فرهنگ مالیاتی: فرهنگ مالیاتی به معنای باورها و شناخت مردم در مورد مالیات و لزوم پرداخت آن توسط آن هاست. هرگاه بتوانیم ضرورت دریافت مالیات از مردم را به صورت مستدل و منطقی برای آن ها بیان کرده، به آنان آگاهی های لازم را داده و برای آن ها به صورت شفاف توضیح دهیم که مالیات دریافتی از مردم و توسط دولت صرف چه هزینه هایی می شود و در صورت نپرداختن مالیات، دولت و مردم دچار چه مشکلاتی خواهند شد و همچنین مردم به یک باور برسند که دولت مالیات دریافتی را برای بهبود

وضع جامعه و توسعه اجتماعی و رفاه شهروندان هزینه می کند آنگاه می توان ادعا کرد که مقدمات یک فرهنگ مالیاتی خوب برای پرداخت مالیات توسط عامه مردم به وجود آمده است. به این منظور باید:

۱. مقبولیت عامه نسبت به مفهوم مالیات یعنی باور و اعتقاد عمومی نسبت به مالیات را ایجاد و گسترش داد.
۲. مردم نسبت به حکومت و شرایط سیاسی جامعه، نگاهی مثبت داشته باشند. (به عبارت دیگر حکومت، مورد پذیرش مردم باشد).
۳. یک باور دو طرفه بین دولت و مردم وجود داشته باشد.

مهم ترین مواردی که می توان در سازمان مالیاتی ایران به اجرا درآورد تا به یک فرهنگ مالیاتی نسبتاً مناسب دست پیدا کرد عبارتند از:

- گنجاندن موضوع مالیات در قسمتی از کتاب های درسی مدارس کشور
- اطلاع رسانی درست و مداوم و جلب حمایت عمومی
- آموزش و مشاوره مؤدیان مالیاتی
- ساده سازی قوانین
- معرفی مؤدیان نمونه در سطح ادارات کل استانی
- گسترش فرهنگ پژوهش و تحقیق در زمینه نارسایی های سیستم مالیاتی ایران
- آموزش و التزام ماموران مالیاتی به برخورد مناسب و همراه با احترام به تمامی مؤدیان
- ارتباط تنگاتنگ با مجامع صنفی و اتحادیه ها [۱۰].

## ۵. نقش مالیات در اقتصاد کشور

مالیات دریافت قسمتی از دارایی افراد توانمند از نظر اقتصادی و توزیع این دارایی به افراد ناتوان، به عبارتی دیگر از نظر اقتصادی انجام این عمل در بحث توزیع عادلانه تر درآمد مطرح می شود پس توزیع عادلانه تر درآمدها به این معنی است که شکاف درآمدی بین گروه های درآمدی جامعه کمتر باشد.

امروزه نقش نظام مالیاتی کشورها در تأمین سه هدف عمده اجتماعی، اقتصادی و بودجه ای دولت بر کسی پوشیده نیست. در بعد اجتماعی مهم ترین هدف از وضع مالیات کاهش فاصله طبقاتی و توزیع مجدد درآمدهاست. یکی از علل دخالت دولت ها در اقتصاد هر جامعه ای دستیابی به توزیع عادلانه ثروت بین کلیه افراد جامعه می باشد، در این راستا مالیات یکی از مهمترین ابزارها است که

دولت ها از طریق دریافت بیشتر آن از افراد ثروتمند و غنی جامعه و هزینه کردن مالیات های دریافتی در محل تامین خدمات رفاهی و اجتماعی از جمله بهداشت و مسکن افراد فقیر و کم درآمد جامعه گامی در جهت عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی برمی دارد .

از مهمترین اهداف وضع مالیات در جامعه می توان به توزیع مناسب درآمد، تحقق عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد، مهار تورم، فراهم کردن زمینه های لازم برای تحقق رقابت پذیری، تحقق رشد اقتصادی پیوسته، اثبات و پرستاب متناسب با اهداف چشم انداز، ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه گذاران، اهتمام به نظم و انضباط مالی و بودجه ای، تلاش برای قطع اتکا هزینه های جاری به نفت و تأمین آن از محل درآمدهای مالیاتی و... اشاره نمود.

علاوه بر اینکه دولت در ایجاد عدالت مالیاتی از طریق وضع سیاست های کارآمد مالیاتی در جامعه نقش مهمی را ایفا می کند ، مردم تشکیل دهنده یک اجتماع نیز باید در رسیدن به هدف فوق دولت را یاری دهند به گونه ای که با شفاف سازی درآمدها و پرداخت به موقع مالیات به دولت در کاهش فاصله طبقاتی و بهره مند شدن اکثریت افراد جامعه از خدمات رفاهی و اقتصادی گام بردارند .

پرداخت مالیات از مهمترین عوامل رشد و توسعه جامعه محسوب می شود و موجب رونق اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی، افزایش خدمات و عمران و آبادانی کشور می شود. در حال حاضر بخش عمده ای از اعتبارات و درآمدهای مالیاتی، صرف عمران، آبادانی و امور زیربنایی کشور می شود. از این رو ارتقای روزافزون نظام مالیاتی و همگام ساختن آن با دانش روز، نقش انکارناپذیری در توسعه اقتصادی کشور دارد.

تحصیل ثروت از راه فروش منابع تمام شدنی ای مثل نفت و امثال نفت، رونق و پیشرفت نیست؛ چون این منابع همیشگی نیستند و روزگاری نه چندان دور تمام خواهند شد متأسفانه اقتصاد ما به نفت اتکا پیدا کرده و ترک این عادت هم چون سخت است دولت ها از آن دوری می کنند در حالی که می توان با این تغییر، شیوه رشد کشور را واقعی و همیشگی کرد.

افزایش میزان اتکای اقتصاد کشور به درآمدهای مالیاتی، یکی از محورهای اصلی و مهم سیاست دولتمردان در سالهای اخیر است که تلاشهای زیادی برای انتخاب راهکارهای مناسب برای تحقق این هدف از سوی دستگاه مالیاتی به کار گرفته شده است.

با نگاهی اجمالی به شاخصهای پیشرفت اقتصاد در کشورهایی که مالیات در شالوده اقتصاد آنها نقش اصلی را ایفا می کند متوجه می شویم که تکیه بر درآمدهای پایدار مالیاتی ضامن رشد و توسعه اقتصاد بوده و ضریب اطمینان موفقیت در اجرای پروژه های عمرانی و زیر ساختهای شهری با استفاده از مالیات بسیار بالا می باشد.

رشد بخش های مختلف صنعت و تجارت در گرو این نوع نگاه است و باید اقرار کرد که فروختن نفت خام و صرف آن در کشور راه به جایی نخواهد برد . یکی از این درآمدهای پایدار که در بیشتر جوامع و دولت ها در تامین بودجه و هزینه های عمومی بسیار موثر است، «مالیات» است. که به درآمد پاک معروف می باشد . دولت ها با وضع مالیات می توانند باعث رشد و پیشرفت اقتصادی جوامع خود شوند به گونه ای که با هدایت کردن درآمد ناشی از مالیات به سمت سرمایه گذاری از طریق اعطای تسهیلات بلند مدت بانکی می توانند باعث رشد و شکوفایی و رونق بنگاههای اقتصادی شده و در نتیجه با افزایش درآمد بنگاهها میزان درآمدهای مالیاتی دولت نیز افزایش پیدا می کند.

ترویج فرهنگ مالیاتی و معرفی مزایای مالیات در آبادانی و عمران شهرها و کشور و ایجاد امکانات عمومی، مهمترین گامی است که دستگاه مالیاتی در سالهای اخیر اهتمام ویژه ای نسبت به آن داشته است، از این رو سازمان امور مالیاتی اقدامات زیادی در جهت

هدایت افکار و باور عمومی به سمت شناخت مزایای مالیات و اینکه مردم با پرداخت مالیات در امر اداره کشور سهیم بوده و به این وسیله می توانند مانع به هدر رفتن نفت شده و آن را برای نسل آینده و فرزندان خود ذخیره نمایند، به انجام رسانده است.

به طور سنتی وضع مالیات در کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به دوهدف است. اول امتیازهای مالیاتی و دیگرانگیزه های مالی مشابه به منظور تشویق سرمایه گذاری های خصوصی. این نوع امتیازهای مالیاتی نوعاً به سرمایه گذاران خارجی خصوصی برای تشویق آنها به ایجاد مؤسسات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه اعطا می شود. هدف دوم از وضع مالیات ها، تجهیز منابع به منظور تأمین مالی هزینه های دولت بسیار مهم تر است. توسعه ی اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه، بدون توجه به ایده های رایج سیاسی و اقتصادی آنها تا حد زیادی در گرو توانایی این کشورها در ایجاد درآمدهای کافی برای تأمین مالی برنامه های ضروری و برنامه های خدمات دولتی فاقد درآمد مانند: بهداشت، آموزش، حمل و نقل، ارتباطات و دیگر اجزاء زیرساخت اقتصادی و اجتماعی است. علاوه بر این، بیشتر کشور جهان سوم به طور مستقیم در فعالیت های اقتصادی کشور خود، از طریق مالکیت یا کنترل شرکت های دولتی و مؤسسات تجاری دولتی مداخله دارند.

اگر بپذیریم مالیات اهمیت ویژه ای برای تأمین منابع مالی مورد نیاز دولت ها دارد، باید برای افزایش درآمدهای مالیاتی فرهنگ سازی و اعتماد سازی مناسب صورت بگیرد تا مردم با اطمینان هر چه بیشتر بخشی از در آمد حاصل از فعالیت های اقتصادی خود را به مالیات اختصاص دهند. بر اساس فتوای علما اگر در جامعه اسلامی علاوه بر خمس دولت هم مالیات بگیرد، چون مالیات یک حق عمومی جامعه به شمار می رود، بر خمس مقدم است [۷].

## ۶. پرداخت مالیات لازمه رفاه و توسعه

مالیات یکی از مهم ترین ابزارها و منابع اقتصادی است که در رشد و توسعه پایدار و تأمین عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف دولت نقش بسیار مهمی ایفا می کند. سیستم مالیاتی به عنوان شریان حیات اقتصادی، دولت ها را در قبال تک تک افراد جامعه مسئول و موظف به رعایت حقوق شهروندی می کند، تا جایی که در تعالیم اسلامی هم از آن به عنوان عاملی موثر برای رونق بخشیدن به کسب و کار و تولید و در نهایت تحقق توسعه اقتصادی و رفع فقر یاد شده است. اصولاً توسعه به معنای به ارمغان آوردن رفاه اجتماعی برای توده های مردم است و توده های مردم زمانی از رفاه اجتماعی و اقتصادی برخوردار می شوند که توزیع درآمدها به صورت عادلانه صورت پذیرد تا مردم عادی بتوانند نیازهای اقتصادی خود مانند مسکن، غذا، بهداشت و رفاه را تأمین کنند. در این حالت مالیات ها می توانند سبب کاهش و جذب بخش اعظمی از درآمد و دارایی طبقات غنی و مرفه و توزیع آن در بین اقشار کم درآمد شوند.

درآمدهای مالیاتی پس از درآمدهای نفتی عمده ترین منبع درآمدی دولت به شمار می روند که می توانند به عنوان بخشی از سیاست های مالی در اعمال سیاست گذاری های کلان اقتصادی به کار روند. در حال حاضر بخش عمده ای از اعتبارات و درآمدهای مالیاتی، صرف عمران، آبادانی، امور زیربنایی و توسعه اقتصادی کشور می شود و از آن جایی که درآمدهای مالیاتی، رابطه مستقیمی با بودجه دارد، نقش مهم و سازنده ای در اقتصاد کشور و برقراری عدالت در جامعه ایفاء می کند و با رشد آن، شاهد توسعه و عمران هرچه بیشتر خواهیم بود. از درآمدهای مالیاتی به عنوان یکی از باثبات ترین و مطمئن ترین منابع برای دولت ها یاد می شود، بدان معنی که متکی ساختن بودجه دولت به درآمدهای مالیاتی و یا به عبارت دیگر مرتبط ساختن بودجه دولت با اوضاع و احوال اقتصادی سبب می گردد که هزینه های دولت با واقعیات اقتصادی جامعه شکل بگیرد. به همین دلیل است که دولت ها همواره به دنبال افزایش درآمدهای مالیاتی هستند و این رویکرد را در قالب برنامه های بلند مدت نیز دنبال می کنند. از این رو مالیات به عنوان یکی از مهم ترین منابع درآمدی دولت همواره در برنامه های توسعه نیز جایگاه خاصی داشته است. به طور کلی می توان گفت دولت ها با اخذ مالیات و از طریق توزیع عادلانه آن بین افراد، کشور را به سوی توسعه اقتصادی سوق می دهند. در ایران نیز مانند بسیاری از

کشورهای صادرکننده نفت، دسترسی به درآمدهای نفتی در طی سال‌ها مانع از توجه جدی به نقش مالیات در اقتصاد و توسعه شده است. طی سال‌های اخیر بروز نوسان‌هایی در بازار نفت تنگناهایی برای بودجه کشور ایجاد نموده که سبب شده تا مالیات‌ها به عنوان منبع درآمدی باثبات بیش از پیش مورد توجه جدی قرار گیرند. در خاتمه این که مالیات و نظام مالیاتی بی شک نقش موثری در روند توسعه و رفاه کشور ایفا می‌کند و با تاثیر بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های توسعه صنعتی نیز نقش کلیدی بر عهده داشته باشد. دولت نیز با یک نظام مالیاتی مناسب و کارا، با اصلاح قوانین و مقررات مالیاتی می‌تواند بر چگونگی دستیابی به اهداف توسعه‌ای تاثیر گذارد [۸].

## ۷. نقش کلیدی مالیات در رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی کشور

مالیات مقدار پول و یا مالی است که شهروندان یک کشور طبق قانون به دولت خود می‌پردازند تا در جهت اداره امور کشور، تامین کالاها و خدمات عمومی و ضروری، تضمین امنیت و دفاع همگانی و عمران و آبادانی توسط دولت مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. یکی از انواع مالیات‌ها، مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد. این نوع مالیات، نوعی مالیات چند مرحله‌ای است که در مراحل مختلف زنجیره واردات، تولید و توزیع از هر فعال اقتصادی زنجیره به فعال اقتصادی بعدی انتقال می‌یابد تا در نهایت به مصرف‌کننده نهایی منتقل و از سوی وی پرداخت شود، بنابراین پرداخت کنندگان واقعی این مالیات، مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات هستند و عناصر حاضر در زنجیره تنها عامل انتقال این مالیات به مصرف‌کننده نهایی خواهند بود.

مزایای بی شماری برای توجیه مالیات بر ارزش افزوده عنوان می‌شود از جمله: درآمدزایی، ثبات نسبی، فرار مالیاتی حداقل، بازرسی و حسابرسی، بازرگانی منظم، بهبود تجارت خارجی، نوسازی، حمایت موثر، حداقل تاثیر منفی بر تخصیص منابع، رفع مالیات‌های مخرب و در نهایت ایجاد رفاه اجتماعی. بدون شک اتکا به درآمدهای مالیاتی به ویژه مالیات بر ارزش افزوده که راحت‌الوصول‌تر از سایر منابع مالیاتی می‌باشد، توسعه و رفاه اجتماعی را در بر خواهد داشت و کشور را از توسل به درآمدهای نفتی برای نیل به اهداف توسعه‌ای رفاه اجتماعی، فارغ می‌سازد. زیرا ناپایداری در بازار نفت تمام تدابیر اتخاذ شده را دستخوش دگرگونی خواهد کرد.

همچنین می‌توان گفت که توسعه عمومی کشور در گرو رشد رفاه اجتماعی است و اجرای درست و منطقی مالیات بر ارزش افزوده در نهایت منجر به رشد رفاه اجتماعی و همچنین توسعه عمومی کشور خواهد شد. با اجرای قوانین مالیاتی همچون قانون مالیات بر ارزش افزوده و پرداخت آن بر اساس مصرف کالا و دریافت خدمات، بسترهای رونق اقتصادی، گسترش زیرساخت‌های عمرانی و خدمات عمومی فراهم می‌گردد. با اجرایی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده در کشور بخشی از اعتبارات از محل وصول آن به شهرداری‌ها و دهیاری‌های هر منطقه اختصاص می‌یابد که این خود موجب توسعه متوازن گردیده و نیز بخشی به سلامت اختصاص داده می‌شود که این امر زمینه گسترش خدمات بهداشتی و درمانی در سطح جامعه را بیشتر از گذشته فراهم می‌آورد.

به‌طوری‌که از میزان ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده کالا و خدمات یک درصد آن به حوزه سلامت و درمان اختصاص داده می‌شود که در این خصوص می‌توان نقش سهم مالیات را در موفقیت طرح جامع نظام سلامت که به اجرا درآمده است و پوشش هزینه‌های درمان مشاهده کرد. همچنین میزان ۳ درصد از مالیات بر ارزش افزوده به شهرداری‌ها داده می‌شود که در توسعه زیرساخت‌های شهری نقش اثرگذاری دارد [۱۱].

طرح‌های عمرانی همچون بزرگراه‌ها، خیابان‌ها، جاده‌ها و پل‌ها، حمل و نقل عمومی، فرودگاه‌ها و خطوط هوایی، منابع آبی، مدیریت شهری، تولید جریان برق و مخابرات، ارتباطات، توسعه زیرساخت‌های آموزشی و گسترش خدمات در مناطق محروم نیازمند بودجه قابل توجهی است که بخشی از آنها از محل درآمدهای مالیاتی تامین خواهد شد. با اجرای زیرساخت‌های عمرانی، توسعه آموزش و

پرورش در مناطق کمتر توسعه یافته و گسترش خدمات در مناطق محروم، اثرات مالیات بر زندگی مردم ملموس تر شده و انگیزه مودیان برای پرداخت مالیات بیشتر از گذشته می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که مالیات و نظام مالیاتی بی شک نقش مؤثری در روند توسعه و رفاه کشور ایفا می کند و با تاثیر بر فعالیت بنگاه های اقتصادی می تواند در سیاست گذاری های توسعه صنعتی نیز نقش کلیدی بر عهده داشته باشد [۱].

## ۸. نتیجه گیری

بدون تردید مالیات و نظام مالیاتی دارای نقش مؤثری در روند توسعه کشور است. مالیات به عنوان یکی از ابزارهای هدایت غیرمستقیم دولت از طریق تأثیر بر فعالیت های بنگاه های اقتصادی می تواند در سیاستگذاری های توسعه صنعتی نقش کلیدی ایفا کند. دولت با تدوین نظام مالیاتی مناسب می تواند بر چگونگی دستیابی به هدف های توسعه ای تأثیر گذارد. مطالبات راهی اساسی برای تأمین مخارج دولت ها به شمار می آید. از آنجا که طی دهه های گذشته درآمد نفت به عنوان یک منبع عمده در اختیار دولت ما بوده است از این دیدگاه نیز کمتر سازماندهی مناسبی بر اخذ مالیات صورت گرفته است. به هر دوی توجه نظام مالیاتی چه در زمینه قوانین و چه در زمینه سازماندهی مورد نیاز با هدف تأثیرگذاری بر جهت گیری بلندمدت اقتصادی، تأمین مخارج دولت و در نهایت کمک به تحقق استراتژی توسعه اقتصادی لازم و ضروری است. بنابراین به منظور کارایی بیشتر سیستم جمع آوری مالیات، لازم است قوانین

و مقررات مالیاتی اصلاح شود. مدیریت مطلوب و شایسته بوجود آید. در حقیقت، مدیریت، نقش اساسی در کارایی سیستم مالیاتی دارد.

### منابع و مآخذ

۱. اسلامی، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر فعالیتهای بازاریابی بر وفاداری مشتریان بانک کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد واحد رشت
۲. الوندی، محسن و محمد کریمی. (۱۳۸۸). بررسی مقایسه ای مدیریت ارتباط با مشتریان سه بانک ایرانی با رویکرد مدل سوئیفت، فصلنامه مطالعات بازرگانی، سال دوم، شماره ۴
۳. امیری، فرامرز. (۱۳۸۸). کیفیت خدمات مدیریت ارتباط با مشتری و تدوین برنامه بهینه مدیریت ارتباط با مشتری در نظام بانکداری، فصلنامه مدیریت، سال اول، شماره ۳۲، تهران
۴. صیف، محمد حسن و مقداد کرمی. (۱۳۸۳). مدیریت دانایی؛ رویکردی استراتژیک، ماهنامه علمی آموزشی تدبیر، سال پانزدهم، شماره ۱۵۳
۵. کرامتی، حمید، رفیعی، کمال و علی دادمهر. (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل کلیدی موفقیت استراتژی مدیریت ارتباط با مشتری در صنعت نساجی، نشریه کاوشهای مدیریت بازرگانی، سال دوم، شماره سوم
۶. Bohling, T. , Bowman, D. , LaValle, S. , Mittal, V. , Narayandas, D. , Ramani, G. and Varadarajan, R. (۲۰۰۶). CRM Implementation: Effectiveness, Issues and Insights
۷. Dyche', J. (۲۰۰۲). The CRM Handbook: A Business Guide to Customer Relationship Management , Addison-Wesley, Upper Saddle River, NJ.
۸. Fox, T. and Stead, S. (۲۰۰۱). Customer Relationship Management: Delivering the Benefits. White Paper, CRM (UK)
۹. Ghodeswar, B. M. (۲۰۰۱). Winning markets through effective customer relationship management. In Sheth, J. N. , Parvatiyar, A. And Shainesh, G. (Eds), Customer Relationship Management: Emerging Concepts, Tools and Applications, Tata McGraw-Hill
۱۰. Jain, D. and Singh, S. S. (۲۰۰۲). Customer research in marketing: a review and future directions. Journal of Interactive Marketing.
۱۱. Kim, Hyung-Su and Young-Gul Kim and Chan-Wook Park. (۲۰۱۰). Integration of Firm's Resource and Capability to Implement Enterprise CRM: A Case Study of a Retail Bank in Korea. Decision Support Systems.
۱۲. Lee, J. , Chow, R. , Sin, L. and Tse, A. (۲۰۰۰). Relationship marketing: the Chinese way. Business Horizon
۱۳. Ryals, L; Stive Knox. (۲۰۱۰). Cross Functional Issues in the Implementation Marketing Research through Customer Relationship Marketing. European Management Journal.
۱۴. Sin, L. Y; Tse, A. C. B; and Yim, F. H. K. (۲۰۰۵). CRM conceptualization and scale development. International of Journal of Marketing